



## تعاون، راهکاری مناسب برای توانمندسازی زنان روستایی

دکتر سولماز حدادی\*

### چکیده

بنابر آمار موجود نزدیک به دوازده میلیون نفر از جمعیت کشور ایران را زنان روستایی تشکیل می‌دهند. این گروه بزرگ از جمعیت نقش بسیار مؤثر و سهم بسزایی در تولید محصولات کشاورزی و صنایع دستی روستایی دارند و بخش عمده‌ای از درآمد ملی، توسط آنان حاصل می‌شود.

زنان روستایی در تمام مراحل تولید محصولات کشاورزی حضور فعال دارند، به طوری که بر پایه مستندات موجود میزان مشارکت آنان در برخی از موارد به صد درصد می‌رسد. علیرغم تلاش بی‌وقفه زنان در روند توسعه روستاها، حضور زنان در تشکلهای روستایی موجود و دسترسی آنان به منابع تولید از جمله اعتبارات بانکی، بسیار محدود بوده و در مواردی نیز که زنان روستایی رسماً در تعاونیها عضویت داشته‌اند، عملاً در تصمیم‌گیریها و مباحثات جمعی، به دلیل ملاحظات فرهنگی موجود، حضور فعالی نداشته‌اند.

یکی از راههایی که توسط آن می‌توان علاوه بر تسهیل دسترسی زنان به منابع تولید و افزایش درآمد آنان و خانواده‌یشان، مشارکت آنها را در فعالیتهای جمعی مربوط به توسعه روستا تسهیل نمود، فراهم آوردن امکان ایجاد شرکتهای تعاونی روستایی ویژه زنان با مدیریت خود آنان و ترغیب آنها به عضویت در این تعاونیها است. تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی ویژه زنان موجب ورود زنان در روند توسعه روستا، توانمند شدن آنان، افزایش درآمد خانوار روستایی و پیشرفت اقتصادی زنان روستایی می‌شود و امکان افزایش بهره‌وری کمی و کیفی آنان را فراهم می‌آورد. افزون بر آن، این مهم موجب ارج نهادن به کرامت انسانی زن در عرصه فعالیتهای اجتماعی می‌گردد.

### مقدمه

امروزه اهمیت نقش زنان و لزوم وارد نمودن آنان در برنامه‌های توسعه بر کسی پوشیده نیست و این مسئله از جانب غالب صاحب نظران در گوشه و کنار دنیا به صورت مسخترک از جمله در قالب معاهده‌هایی چون معاهده رفع تبعیض علیه زنان مرتباً عنوان و گوشزد می‌گردد. با توجه به اینکه دست‌اندرکاران

مسائل اجتماعی و اقتصادی بر این نکته اتفاق نظر دارند که توسعه بایستی از روستاها و به وسیله خود روستائیان آغاز گردد، لذا در زمینه مسایل مربوط به زنان روستایی نیز با توجه به عقب‌نگه داشته شدن این زحمتکش‌ان کم‌توقع، به نظر می‌رسد که در درجه اول وجود تشکلهایی در روستاهای کشور برای تشویق زنان روستایی به کار و اظهار نظر در مسائل

اجتماعی و گروهی امری ضروری است، زیرا در چنین تشکلهایی مسایل و مشکلات و راه‌حلهای به وسیله خود زنان مطرح می‌شود و پروژه‌های کوچک درآمدزا در غالب این تشکلهای قابل اجرا است. حالا پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که از چه طریق می‌توان به هدف مزبور دست یافت؟ تأسیس تعاونی‌ها در ایران به صورت

بلکه از سالهای دهه ۱۹۶۰ و شاید زودتر از آن جزئی از فرهنگ بالندگی به شمار می‌رفته است. ولی این واژه بطور کلی تنها به درگیر شدن مردم در طرحها اطلاق می‌شود. در اینجا تفاوت حیاتی در آن است که مشارکت، راهبردی فراگیر در بالندگی است و بر نقش کلیدی مردم در همه قلمروهای زندگی تأکید می‌کند.

علاوه بر آن، بالندگی انسان به معنی گسترده کردن دامنه‌گزینشهای انسان است. همچنین مشارکت در قلمرو اقتصادی، بدان معنی است که انسان قادر باشد تا بصورت آزاد در هر فعالیت اقتصادی شرکت جوید. در قلمرو اجتماعی، بدان معنی است که انسان بتواند بدون توجه به دین - رنگ - جنس و نژاد خود بطور کامل در همه تشکلهای زندگی اجتماعی شرکت جوید.<sup>۱۲</sup>

البته ناگفته پیداست که در همین وضعیت، شمار عظیمی از مردم از جمله فقیرترین اقشار و نیز روستائیان و زنان جامعه تقریباً در همه کشورها، از گروههای کنارمانده در مشارکت هستند.

۲-۲- نقش مشارکت زنان روستایی در برنامه‌ریزی:

امروزه در اغلب کشورها، مفاهیمی از قبیل مشارکت اجتماعی، دموکراسی، برابری، توسعه و... بیش از گذشته مطرح است. لذا اندیشمندان همواره به دنبال شناخت مسئله و ارائه راهکارهای مناسب، برای تحقق این مفاهیم می‌باشند. زیرا، ارتباط تنگاتنگ این مفاهیم با یکدیگر به حدی است که تحقق هر یک از آنها بدون وجود دیگری امکان‌پذیر نیست. صاحب‌منظران به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از راههای محقق شدن این مفاهیم، مشارکت سیستماتیک و تساوی زنان و مردان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... جامعه است. در این راستا نیز تلاشهای بسیار زیادی از جانب گروهها و سازمانهای ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی انجام گرفته است. در ذیل به برخی از اثرات مشارکت زنان در برنامه‌ریزی اشاره می‌شود:<sup>۱۵</sup>

۲-۱- کاهش میزان خطا در اولویتها و برنامه‌ها:

اولویت‌بندی‌ها در زمینه برنامه‌ریزی

می‌گیرد. زنان روستایی در ایران علاوه بر انجام وظایف مربوط به خانه‌داری و نگهداری از فرزندان، غالباً در مزارع مشغول به فعالیت‌اند و در کنار آن به تهیه نوعی از صنایع دستی نیز مشغولند. آنان مسؤلیت تهیه آب آشامیدنی و سوخت خانواده را نیز که غالباً بایستی از فاصله‌ای دور به خانه حمل شوند به عهده دارند. زنان روستایی تمام وظایف خود را با وسایل سنتی و بدون کمک از هیچ ابزار مدرنی به انجام می‌رسانند و لذا بار سنگینی بر آنان تحمیل می‌گردد.<sup>(۲۰)</sup>

شرایط کارشان نامساعد است و حداقل شرایط بهداشتی لازم نیز در محیط کار برای آنها فراهم نیست! زنان روستایی غالباً به اعتبارات تخصیص داده شده و وامهای مختلف دسترسی ندارند و قادر به عرضه مستقیم تولیدات در بازار نیستند و لذا معمولاً تولیدات خود را از طریق افراد واسطه و سودجو به فروش می‌رسانند. از این رو سطح زندگی آنها به طور کلی در مناطق روستایی پایین و به دلیل کار فرساینده آنان و ویژگیهای نیازهایشان شرایط نامطلوبتر است.

زنان روستایی تغذیه صحیح ندارند و علیرغم زیانهای مکرر در طول زندگی‌شان، مواد غذایی لازم برای مادران شیرده به آنان نمی‌رسد. خانه‌های روستایی نیز حداقل وسایل رفاهی را ندارند و وسایل مدرن امروزی که زندگی را برای زنان شهری بسیار سهل‌تر کرده‌اند، در بسیاری از خانه‌های روستایی به چشم نمی‌خورد!

## ۲- مشارکت

۲-۱- تعریف مشارکت:

مشارکت به معنی درگیر شدن بسیار نزدیک مردم در فراگردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مؤثر بر زندگی آنان است. در برخی از حالتها، مردم ممکن است بر همه این فراگردها نظارت کامل و مستقیم داشته باشند و در برخی دیگر نظارت آنان ممکن است جزئی و غیرمستقیم باشد. موضوع مهم آن است که مردم باید همواره دسترسی ثابت و پیوسته‌ای به فراگرد تصمیم‌گیری و اقتدار داشته باشند. مشارکت در این معنی عنصری ضروری در بالندگی انسان به شمار می‌رود. مشارکت اصطلاح جدیدی نیست

امروزی از سال ۱۳۲۵ آغاز گردید. تعاونی‌های روستایی عمدتاً با شرکت کشاورزان و تولیدکنندگان صنایع دستی با مشارکت و فعالیت بانک کشاورزی آغاز به کار نمود. با این حال، در حال حاضر آماری رسمی مبتنی بر تعداد زنان عضو تعاونی‌ها در ایران وجود ندارد! اگرچه مسانعت قانونی برای شرکت زنان در تعاونی‌ها موجود نیست ولی با توجه به شرایط فرهنگی جوامع روستایی، شرکت زنان و مردان با هم در گروههای تعاونی در جلسات مقبول نمی‌باشد.<sup>(۲۱)</sup>

مقاله حاضر با این دید، اقدام به بررسی تأثیر تعاونی‌ها به عنوان راهکاری مناسب برای مشارکت زنان روستایی پرداخته است که در زمینه ایجاد تعاونی، تفکر پایه، تنها ایجاد این تعاونی‌ها به وسیله مردان و یا متخصصین و اقتصاددانان نیست، بلکه ضرورت ایجاد تعاونیها باید به وسیله خود زنان درک گردد و به وسیله خود آنها فعالیت یافته و اداره گردد.

## ۱- کلیاتی درباره زنان روستایی

همانند بسیاری از نقاط دنیا، زنان روستایی ایران نقش عمده‌ای در تولید و تهیه مواد غذایی، تهیه صنایع دستی، نگهداری از دامها و حتی فروش تولیدات خود دارند.

مطالعات انجام یافته درخصوص میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی، حاکی از آن است که این گروه به میزان ۶۰ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی و ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه‌های روغنی و ۳۰ درصد در امور داشت باغات و مزارع مشارکت دارند.<sup>(۱۵)</sup>

اگرچه تعداد مطالعات و بررسی‌های انجام یافته در زمینه زنان محدود می‌باشد، لکن شواهد موثقی مبنی بر وجود سهم مؤثر زنان روستایی در مراحل توسعه وجود دارند که قابل انکار نیستند.

در بعضی از نقاط ایران که فعالیتهای کشاورزی قادر به تأمین نیاز مالی خانوار روستایی نیست حدود ۹۰ درصد از بودجه خانواده از طریق صنایع دستی و عمدتاً قالی‌بافی تأمین می‌گردد که عمده اینگونه فعالیتهای نیز توسط زنان انجام

### ۳- تعاونیهای زنان روستایی:

۱-۳- ضرورت تشکیل تعاونیهای زنان روستایی: زنان روستایی در ایران، نقش تعیین کننده‌ای در حیات اقتصادی خانوار روستایی شامل فعالیت در بخشهای اقتصادی بدون مزد را دارند. بدین معنی که اگر چه برای بسیاری از فعالیتهای آنان مزدی پرداخت نمی‌شود ولی این تسلاشها جایگزین فعالیتهایی می‌گردند که ارزش اقتصادی قابل ملاحظه‌ای دارد. علی‌رغم تلاش بی‌وقفه زنان روستایی، کار انجام یافته به وسیله آنان در محاسبات رسمی تولید خالص ملی به حساب نمی‌آید و در مراحل تدوین سیاستهای کشاورزی و اقتصادی توجهی به آنان مبذول نمی‌گردد.

در گزارشی که دیارتمان اطلاعات عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ با عنوان قرارداد رفع انواع تبعیض بر علیه زنان منتشر نمود، آمده است که زنان روستایی به صورت گروههای خودیار و تعاونیهای بایستی گرد هم آیند تا بدین وسیله قادر به دسترسی به اعتبارات و امکانات اقتصادی لازم برای ایجاد مشاغل مناسب برای خود گردند.<sup>۱۱</sup>

برای به اثبات رساندن عدم حضور مسؤثر زنان در تعاونیها، نیازی به سرشماری بین‌المللی نیست، بخصوص در کشورهای جهان سوم و در ایران این امر به نحو بارزی قابل ملاحظه می‌باشد.

شرکت زنان روستایی ایران در تعاونیهای خودشان، می‌تواند بعنوان وسیله و هدف هر دو تلقی گردد. این حضور وسیله است بدین معنی که عضویت آنان در تعاونیها موجب برخورداری آنان از خدماتی است که به آنها نیاز دارند و تعاونی می‌تواند در اختیار آنان قرار دهد. همچنین این عضویت هدف است بدین معنی که از طریق عضویت در تعاونیها آنان به سویی دسترسی خواهند داشت که می‌تواند تصمیم گیرندگان مسایل مختلف را به نیازها و مسایل آن واقف گرداند.

به طور کلی، تشکیل تعاونیهای زنان روستایی از جهات مختلف عملی است زیرا

- ۱- در کشوری چون ایران که اعتقادات فرهنگی - مذهبی نفوذ عمیقی در نحوه

۲-۳- مشکلات موجود در مشارکت زنان روستایی:

۱- زنان و مردان هنوز در جهان نابرابر زندگی می‌کنند.

۲- ناهمترازی نسبی و نابرابریهای ناپذیرفتنی بین مردان و زنان وجود دارد.

۳- دیدگاههای زن‌محور، زن را از بعد جنسیتی و به خاطر زن بودن در جهان مطرح نموده و همین امر باعث فراهم آمدن مشکلات عدیده‌ای در قیاس با مردان شده است.

۴- زنان عمدتاً در نقش مادری و محوری خود در خانواده مطرح می‌شوند. و نقش آنان در توسعه فراموش شده است.

۵- نقش زنان و وظایف آنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان در توسعه کشاورزی محدود مانده و به همین دلیل از مواهب توسعه هم بی‌بهره گردیده و در نتیجه جامعه هم از مشارکت مؤثر آنان در توسعه بی‌بهره مانده است.

۶- حقوق زنان عمدتاً اعطا کردنی مطرح می‌شود، در حالی که این حقوق طبیعی هستند و آنان باید خود از حقوق خود برخوردار باشند و به خوداتکایی و اعتماد به نفس برسند.

۷- اکثر مسؤولان برنامه‌ریزی توسعه، تنها از مردان تشکیل شده‌اند.

۸- مردان نقش رهبری محیط زندگی خود را با اصول سازمان یافته در چارچوب سیاست ملی ایفا می‌کنند و در سازمانهایی که این دو فعالیت تداخل پیدا کنند، بخصوص در اجتماعیاتی که زن و مرد می‌توانند در کنار هم کار کنند، زنان کارهای دون پایه را انجام می‌دهند و مردان فعالیتهای پولساز و موقعیتهای قدرت‌دار را دارند.

۹- در صورت وجود سیاستهای مطلوب و مناسب با موقعیت زنان دستورالعملها و ضوابط اجرایی در احقاق حقوق زنان نارسا هستند و یا مدیران با روش اجرایی این حقوق را ضایع می‌کنند!

۱۰- ناهماهنگی سیاستها و برنامه‌ها و روش کار سازمانها و ارگانهای دخیل در کشاورزی برای مساعدت و هدایت تولیدکننده به سمت و سویی معین، مشکل زنان را تشدید کرده است.

کشاورزی از طریق شناخت کامل هر منطقه و با ویژگیهای خاص آن و اطلاع از مشکلات و نارسائیهای آن امکان‌پذیر است و این تنها زمانی میسر می‌گردد که زمینه مشارکت زنان به عنوان نیاز اولیه برنامه ریزی فراهم گردد تا از طریق این منبع با ارزش که دربرگیرنده مجموعه‌ای از اطلاعات، پتانسیلها و محدودیتهای منطقه‌ای است بتوان میزان خطا در برنامه‌ریزیها را به حداقل رساند.

۲-۲-۲- کاهش مسؤولیت دولت

علاوه بر برنامه‌ریزی، در شرایطی که گروههای زنان، با مسایل و مشکلات خاصی مواجه گردند می‌توان در صورت تبدیل آنها به گروههای تصمیم‌گیری گامی مؤثر در حمایت از دولت در رفع مسایل برداشت.

۲-۲-۳- محدود نمودن انتظارات و

گسترش نوآوری:

در فرایند مشارکت، زنان محدودیت منابع را حس خواهند کرد و از بسیاری از فواین اطلاع خواهند یافت، از این رو در چارچوب قوانین و اطلاع از محدودیت منابع حرکت خواهند نمود و انتظارات آنها محدود خواهد شد و در سایه واقع‌نگری و انتظارات معقول دست به نوآوری جدید خواهند زد.

۲-۲-۴- تعهد بیشتر در اجرای

تصمیم‌ها و استراتژیها:

وقتی که زنان در جریان برنامه ریزی مشارکت داشته باشند به دلیل شناخت نیازها و هدفها و حدود مسؤولیتهای خود، برنامه‌های پیشنهادی آنها انعکاس تفکر آنها می‌باشد که در حل مشکل مناطق از کارایی بیشتری برخوردار بوده و به همین جهت وابستگی و تعهد بیشتری به برنامه خواهند داشت.

۲-۲-۵- فراهم شدن زمینه ارتباط

بین مخاطبان و برنامه‌ریزان:

گروههای مختلف زنان و برنامه‌ریزان جهت برنامه ریزی چارچوب مشترکی براساس همفکری ارائه خواهند داد که با درک و شناخت روش مشترک برای کار با یکدیگر وقت بیشتری جهت ارتباطات با یکدیگر صرف خواهند کرد و مطمئناً در برنامه‌ریزی مشارکتی تحت تأثیرایده‌های تخصصی و عملی قرار خواهند گرفت.

۶- فراهم آوردن امکان آموزشهای موردنیاز برای زنان روستایی به منظور دستیابی: اهداف فوق الذکر بر اساس پیشنهاد و ارائه طرح ایجاد تعاونیهای روستایی زنان، از طرف دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی و با حمایتهای دفتر امور زنان ریاست جمهوری، اساسنامه خاص تعاونیهای روستایی زنان مشتمل بر ۷۶ ماده و ۳۹ تبصره در دردی ماه ۱۳۷۲ به همت سازمان مرکزی تعاون روستایی در وزارت کشاورزی تهیه و تصویب و فعالیتهای سازمانهای مذکور برای فراهم نمودن امکان ایجاد تعاونیها به وسیله زنان روستایی آغاز گردید.<sup>۲۲</sup>

۳-۳- وضعیت موجود شرکتهای تعاونی روستایی زنان در کشور و حدود عملیات این شرکتهای:

براساس آمار موجود تاکنون ۸۳ شرکت تعاونی روستایی زنان در سراسر کشور با عضویت بیش از ۱۴۶۲۰ نفر به تقاضای زنان روستایی و پس از انجام مطالعات مقدماتی تشکیل و ثبت و راه اندازی گردیده است. از جمله شرایط اصلی تشکیل شرکتهای، انتخاب ارکان اصلی شرکت از زنان ساکن و بومی روستایی می باشد که در سازمان مرکزی تعاون روستایی ادارهای تحت عنوان اداره توسعه و آموزش تعاونیهای روستایی زنان در اداره کل آموزش سازمان ایجاد شده است که وظیفه هماهنگی و هدایت و حمایت از تعاونیهای روستایی زنان را به عهده دارد که بطور کلی حدود عملیات این شرکتهای عبارتند از:

- ۱- خرید و تهیه مواد و وسایل مورد نیاز زندگی و کار اعضاء و آموزش آنان در کلیه فعالیتهای زنان روستایی مانند کشاورزی، نوغانداری و...
- ۲- انجام عملیات جمع آوری، نگهداری، تبدیل، فرآوری، طبقه بندی و حمل و نقل و فروش محصولات تولیدی اعضاء
- ۳- انجام خدمات به منظور بهبود امور حرفه ای و یا زندگی اعضاء.
- ۴- بهره برداری جمعی و مشترک از اراضی ملکی یا استجاری.
- ۵- ایجاد مجتمعهای کشاورزی، اداری



برابر آمار سازمان ملل متحد، اگر چه نیمی از مواد غذایی دنیا توسط زنان تولید می شود، اما تنها یک درصد از دارایی های جهان متعلق به زنان است.

رفتار اجتماعی افراد دارد، تعاونی زنان روستایی مسلماً می تواند از تعاونیهای مختلط مورد استقبال بیشتری قرار گیرد و زنان روستایی را بیشتر و مؤثرتر جذب نماید. لذا اجرای این طرح از لحاظ فرهنگی مشکلی وجود ندارد.

۲- نحوه فعالیت این تعاونیها در استانهای مختلف با توجه به فعالیتهای زنان روستایی آن استان، مهارتهای محلی و مواد اولیه موجود و نیاز زنان منطقه خواهد بود.

- ۳- ایجاد تعاونی به نحوی پیشنهاد می گردد که از لحاظ اعتباری نیز مشکلی پیش نیاید بدین معنی پیش بینی شده است که تعاونیهای زنان روستایی در کنار شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستایی ایجاد گردد و قسمتی از ساختمان

این تعاونیها به تعاونی زنان اختصاص یابد. بنابراین با توجه به جنبه عملی بودن اجرای این طرح در کشور، ضرورت تشکیل تعاونیهای زنان روستایی بیش از پیش روشن می گردد.

۲-۳- اهداف ایجاد تعاونیهای زنان روستایی:

- ۱- بهبود وضعیت زندگی روستایی و خانواده های آنان.
- ۲- ایجاد امکان فعالیت به صورت دسته جمعی
- ۳- سرخورداری زنان روستایی از شخصیت حقوقی در قالب گروه.
- ۴- تبادل نظر و همکاری زنان روستایی برای حل مسایل و مشکلات خود.
- ۵- دسترسی بیشتر زنان روستایی به اعتبارات - بازار و مراجع تصمیم گیری

جهت بهره‌برداری جمعی و مشترک اعضا.

۶- تأمین اعتبارات و وام‌های مورد نیاز اعضا.

۳-۳- فعالیت‌های آموزشی در تعاونی‌های روستایی زنان:

به طور کلی هدف از تشکیل شرکتهای تعاونی زنان، ایجاد واحدهایی با همکاری و تشریک مساعی افراد برای رفع حوایج بر مبنای اصولی است که بهره‌برداری از افراد را طرد و نیازهای اقتصادی را با ارزشهای اخلاقی و معنوی همراه می‌نماید.

استقرار چنین نظامی جز با تشکیل و توسعه شرکتهای و اتحادیه‌های تعاونی به وسیله افرادی که احساس مسؤولیت نمایند، امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب، مسئله درک مفاهیم تعاون و آموزش افراد را بر طرف می‌سازد. بنابراین مسئله درک مفاهیم تعاون و آموزش افراد و ایجاد زمینه‌های مساعد فکری در آنان از جمله مسائلی است که مبنای واحدهای تعاونی‌های زنان باید بر آن استقرار یابد زیرا بدون توجه به موارد فوق نمی‌توان به نتایج مطلوب در شرکتهای تعاونی زنان دست یافت، لذا می‌توان نتیجه گرفت که به منظور رسیدن به یک نظام واقعی تعاونی و اخذ نتایج مطلوب از کار تعاونی‌ها باید به عنصر ذاتی تعاون یعنی آموزش توجه داشت و برنامه‌هایی را جهت آموزش مفاهیم و اصول تعاون در کار تعاونی‌های روستایی تنظیم و اجرا نمود.

در عین حال در سالهای اخیر با اولویتی که برای اجرای برنامه‌های آموزشی پیش‌بینی شده، اقدام به تهیه و اجرای طرحهای آموزش تعاون می‌گردد. در چنین حالتی اعضای تعاونیها قادر خواهند بود اداره امور تعاونی مربوط به خود را کلاً به عهده گیرند و به این ترتیب بتدریج خواهند توانست استقلال تعاونی‌های خود را از نظر مدیریت عملی سازند. لازم به ذکر است که آموزش تعاونی‌ها شامل دو جنبه می‌باشد:

۱- آموزش کارکنان که مسؤولیت هدایت و نظارت این تعاونیها را به عهده دارند.

۲- آموزش زنان روستایی که مسؤولیت

اداره تعاونیهای خود را باید به عهده بگیرند.

۳-۵- نقش‌های چندگانه تعاونیهای روستایی زنان:

۳-۵-۱- تعاونی و غلبه زنان بر فقر: تعاونیها به اعضا و کارکنان زن کمک می‌کنند تا با ایجاد امنیت شغلی در شرایطی قابل قبول بر فقر غلبه کنند. برای مثال، تعاونیها غالباً به مسایل قابل انعطاف، ورود زنان را به جرگه نیروی کار تسهیل می‌کنند و در مواردی چون طلاق - فقدان همسر - بیکاری - زنان سرپرست خانوار و محروم از حقوق قانونی، خدمات مناسب با نیاز زنان را ارائه می‌دهند.

۳-۵-۲- تعاونیها و آموزش برابر زنان با مردان:

ایجاد شرکتهای تعاونی، علاوه بر ایجاد فرصتهای شغلی برای زنان و دختران روستایی می‌تواند از طریق کاستن بار منزل و درآمدزایی مستقل از مردان، تسهیلات آموزشی گسترده‌تری را برای زنان روستایی ایجاد کند.

۳-۵-۳- تعاونی و دسترسی کامل زنان به بهداشت کیفی و عملی:

بسیاری از تعاونیهایی که زنان سهم عمده اعضا و کارکنان آنها را تشکیل می‌دهند توجه خاصی به مسایل بهداشتی دارند. به عبارت دیگر، در این نوع از تعاونیها تأکید بر مواد و لوازمی است که به ترتیب از نظر غذایی مناسب و از جنبه خانگی مطمئن و بی خطر می‌باشد. حتی برنامه‌های آموزشی تعاونیها می‌تواند اطلاعات غذایی، بهداشتی، تدبیر خانواده، کودکیاری و روابط درون خانواده را در اختیار زنان قرار دهد.

۳-۵-۴- تعاونی و تقلیل اعمال جبرآميز عليه زنان:

تعاونیها با ایجاد مشاغل موارد مطمئن و با شرایط مساوی برای زنان و مردان، در افزایش توان و کاهش تنشهای مالی زنان به عنوان بازدارنده بسیاری از آسیبها، سهم انکارناپذیری دارند.

۳-۵-۵- تسعاعونی و خودباوری اقتصادی زنان:

شرکتهای تعاونی، منابع مالی موجود زنان را، برای حمایت از ثروت مادی و

معنوی آنان و پیشبرد فرصتهایی برای خودکفایی فعالیت‌های اقتصادی جمع می‌کنند. از نظر آگاهان، امنیت غذایی و اقتصادی بسیاری در تشکیل یا پیوستن به تعاونیهای زنان روستایی نهفته است.

۳-۵-۶- تعاونی و مشارکت کامل و برابر زنان در ساختارهای قدرت و تصمیم‌گیری:

تجربه‌اندوزی در تصمیم‌گیریها، از جمله مزایای این تعاونیهاست. تعاونیها مجرای مناسب کسب تجربه و حرکت محوری در ساختار قدرت هستند. گاه تجربه بدست آمده در تعاونی، بسیاری را در رسیدن به ساختارهای قدرت در خارج از حوزه تعاونی و از نظر مهارتهای بازاریابی و جسارت بیشتر کمک کرده است.

۳-۵-۷- تعاونی و احترام به ابعاد مسأله زنان:

سیاست تبعیض‌ستیزی در مورد زنان، بخشی از اصول اساسی تعاون است. تلاش می‌شود با کاربرد عملی این اصول، میزان عضویت زنان افزایش یافته و تساوی آنان تضمین گردد.

۳-۵-۸- تعاونی و ارتقاء و حفظ بهره‌مندیهای زنان:

تعاون از طریق سیستمهای ارتباطی خود و توجه به آموزش شغلی باید از حقوق زنان حراست و از طریق اتحادیه‌های اعتباری، بانکهای تعاونی و مؤسسات بیمه‌گذار نیز امکان استفاده از سرمایه و حقوق مالکیت را برای زنان فراهم کند.

۳-۵-۹- تعاونی و شناخت افزون زنان و مردان از تساوی حقوق:

هر یک از نهضتهای تعاونی دارای سیستمهای ارتباطی هستند که برای حمایت بیشتر از مسایل زنان به کار می‌روند.

۳-۶- امتیازات تعاونیهای زنان روستایی از دید صاحب نظران: <sup>۱۱</sup>

۱- شرکت زنان در سازمانهای روستایی می‌تواند استراتژی کلیدی خانواده برای شرکت بیشتر در اقتصاد پولی و یا تأمین معاش باشد. (توماس ۱۹۸۸)

۲- خانواده‌ها دست به گسترش شبکه‌های غیر رسمی و گردهمایی‌های

اعتبارات بانکی - زمین - خدمات ترویجی - تکنولوژی مناسب. (۱۵)

### ۳-۷-۱- اعتبارات بانکی:

مطالعات انجام شده نشان دهنده این واقعیت است که زنان روستایی امکانات کمتری برای دریافت وام از بانکها برای فعالیتهای تولیدی مانند تعاونیها دارند. زنان غالباً به دلیل نداشتن وثیقه برای دریافت اعتبارات، واجد شرایط نبوده و لذابه وام دهندگانی روی می آورند که بهره بالایی را از آنان طلب می کنند. از سوی دیگر، بانکها میزان بهره دهی زنان کشاورز و توانایی آنان را در بازپرداخت وام کمتر از حد واقعی تصور می کنند.

در ایران، براساس قوانین و مقررات، در زمینه برخورداری زنان روستایی از خدمات مالی و اعتباری، محدودیت خاصی وجود ندارد. اما در واقع آنچه که برای زنان روستایی به عنوان سدی در جهت دسترسی آنها به اعتبارات عمل می کند، همان ضوابط و مقررات تعیین شده و توانایی داشتن توجیهای فنی- مالی و اقتصادی است. زنان روستایی غالباً فاقد وثیقه ملکی هستند و به سبب مسایل فرهنگی اجتماعی قادر به مراجعه مکرر به بانکها نیستند. اجرای طرح زنان سرپرست خانوار در بانک کشاورزی آغازی برای رفع مشکلات در این زمینه بوده است، اما این طرح با امکانات مالی محدود و عدم ارائه خدمات جنبی لازم و محدودیت مخاطبان آن نتوانسته است مشکلات تأمین اعتبارات لازم برای زنان روستایی تولیدکننده را در حد معقولی حل کند. در این زمینه بی سوادی و عدم توجه به اطلاعات لازم و عدم تشکلهای اقتصادی در همه روستاها، از دیگر موانع برای دسترسی زنان به اعتبارات بانکی بوده است.

### ۳-۷-۲- زمین:

مالکیت، همواره عامل مؤثر در تواناسازی زنان برای تصمیم گیری و اعمال مدیریت در مراحل مختلف تولید کشاورزی بوده است. لیکن برابر آمار سازمان ملل متحد، اگر چه نیمی از مواد غذایی دنیا توسط زنان تولید می شود، اما تنها یک درصد از دارایی های جهان متعلق



(لرنارد ۱۹۸۵)

۶- شرکت زنان در تعاونیهای خودشان موجب استفاده بهتر از منابع انسانی، دستیابی آنان به مراجع تصمیم گیری، افزایش تولید و ارتقای سطح زندگی آنان خواهد بود. (فانو ۱۹۸۳)

۷- شواهدی وجود دارد که زنان روستایی در بسیاری از کشورها می توانند با اندکی تشویق و حمایت به تشکیل مجامع ترغیب شوند و با کمک گروه درآمد خود را افزایش داده و همچنین فعالیتهای سنتی خود را سودآورتر سازند و حمایت متقابل در سایر زمینه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دریافت کنند. (فانو ۱۹۸۳)

۳-۷-۲- روشهای افزایش مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی:

یکی از مهمترین عوامل مربوط به توسعه و پیشرفت زنان روستایی و توانمندی ایشان برای مشارکت در مدیریت و تصمیم گیری در محیط خانواده، در کار و تولید و در مسایل روستا، امکان دسترسی آنان به عوامل تولید است که این عوامل عبارتند از:

جدول ۱: آمار تعاونی های روستایی زنان تا پایان سال ۷۷

گرایش	تعداد تعاونی	کل اعضای زن	کل اشتغال
کشاورزی	۲۳۱	۱۴۵۷	۳۶۱۸
فالی بومی	۴۶۶	۷۰۸۳۲	۹۷۰۴۹

رسمی می زنند تا دسترسی خود را به منابع تولید افزایش دهند. (نلسون ۱۹۸۱)

۳- از طریق سازمانهای ذریبط، می توان به زنان مناطق روستایی کمک نمود تا مسایل و مشکلات خود را پیشنهاد نموده و راههای مناسب را مطرح و اجرا نمایند. (کیالد ۱۹۸۷)

۴- تنها تعاونیهایی که اعضاء و مدیران آن زنان هستند می توانند در مراحل غلبه بر مسایل و مشکلات ساختاری و فرهنگی موجود برسر راه استقلال اقتصادی، اجتماعی زنان، موفق باشند. (روتر جابلد ۱۹۸۲)

۵- رفاه همگانی، دوستی، تولید، کسب اطلاعات و مهارت همه مزایایی است که زنان با شرکت در گروهها قادر به تأمین آن در مراحل نخستین هستند.

در بهبود موقعیت مدنی زنان در رابطه با رفع هرگونه تبعیض از زنان قرار دارد.<sup>۸</sup>

### نوع راهبرد و اقدامات مورد نیاز:

۱) اصلاحات قانون تعاونیها  
- کمک و تعیین مناطق نیازمند به بهبود قوانین ویژه زنان مخصوصاً در موارد ذیل:

- ۱- حق آب و زمین
  - ۲- حق دسترسی به اعتبارات
  - ۳- حق دسترسی به تکنولوژی‌های نوین
  - ۴- حق عضویت در تعاونیها
- ۲) آموزش و اطلاعات عمومی درباره تعاونیها.

- افزایش اطلاعات سیاستگذاران به منظور کاربرد قوانین پیشرفته مخصوص زنان.

- آموزش زنان روستایی در زمینه حقوق مخصوص به خود.

- انتشار مطالعات موردی در رابطه با موقعیت قانونی زنان در تعاونیها.

- تهیه و تولید نشریات و برنامه‌های رادیویی به منظور انتشار اخبار مربوط به موفقیت‌های زنان در امور کشاورزی و معرفی تعاونیهای موفق زنان.

۳-۲- راهبرد اجرایی برای بهبود موقعیت اقتصادی زنان:

برنامه کار فائو درصدد است که حداکثر منابع تولید را در دسترس زنان روستایی قرار دهد تا آنان را قادر سازد هم فرصتهای اقتصادی خود را افزایش دهند و هم برابری مشارکت خود در توسعه روستایی را تضمین کنند.

### نوع راهبرد و اقدامات مورد نیاز:

- درآمدزایی برای زنان و تعدیل اقتصادی در تعاونیها.

- بررسی اثرات ناشی از بحرانهای اقتصادی در زنان.

- افزایش فعالیت‌های درآمد برای زنان.

- بررسی وضعیت مشارکت زنان در بازارهای کار کشاورزی.

- اشتغال زنان در تعاونیها.

- حمایت بخش غیررسمی از زنان از طریق ایجاد پروژه‌های درآمدزا.

- ارزیابی میزان تأثیر نوسانات فصلی در بازار کار و میزان دستمزد نابرابر

### جدول ۲- توزیع درصد زنان شاغل روستایی برحسب بخشهای عمده اقتصادی

بخشهای عمده اقتصادی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
کشاورزی	۳۵ درصد	۳۲/۱	۲۸/۸	۵۴/۱	۱۶/۶
صنعت	۵۲/۹	۶۱/۳	۶۶/۴	۳۴/۳	۳۴/۶
خدمات	۱۳/۱	۶/۹	۴/۸	۱۱/۶	۴۸/۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

\* جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در سالهای ۵۵-۳۵ حدود ۱/۳ زنان شاغل روستایی، کشاورز بوده‌اند. نزدیک به ۲/۳ در فعالیتهای صنعتی به کار اشتغال داشته‌اند و بین ۱/۱۳ و ۴/۸ درصد نیز در کارهای خدمات مشغول بوده‌اند.<sup>۵</sup>

بسیاری بر تواناسازی زنان و نقش آنان در مدیریت و تصمیم‌گیری دارد. زنان روستایی به دلایل مختلف، کمتر مالک ابزار تولید از جمله تکنولوژی بوده‌اند. از طرف دیگر، معمولاً با مکانیزه شدن اراضی و فعالیتهای مختلف کشاورزی، زنان از آن فعالیت کنار گذاشته شده‌اند و عمدتاً در فعالیتهای باقی مانده‌اند که کمتر امکان مکانیزه شدن داشته‌اند.

### ۴- راهبردهای اجرایی فائو:

برنامه کار فائو در این زمینه و در رابطه با بکارگیری زنان در فرآیند توسعه، تضمین‌کننده اجرای خط‌مشی‌ها و برنامه‌هایی است که از سوی فائو به منظور ارتقای سطح زندگی زنان روستایی ارائه می‌شود.

برنامه کار، حول محور چهار جایگاه - مدنی، اجتماعی، اقتصادی و تصمیم‌گیری دور می‌زند که این جایگاهها براساس تجارب طولانی فائو در رابطه با زنان کشورهای در حال توسعه و با همکاری دولتهای عضو این سازمان، تعیین و انتخاب شده‌اند.<sup>۹</sup>

هریک از این جایگاهها، دارای راهبرد مختص به خود برای ارتقای سطح منزلت و موقعیت زنان روستایی در تمامی سطوح اجتماعی همچون خانواده و جامعه و نیز سطوح ملی و بین‌المللی است. درون هر جایگاه، اقداماتی صورت می‌گیرد که برای اجرا ضرورت دارند.

۴-۱- راهبرد اجرایی برای بهبود موقعیت مدنی زنان:

راهبرد اجرایی فائو برای تأثیر تعاونیها

به زنان است، براساس موازین حقوقی هیچگونه محدودیتی برای زنان روستایی در زمینه تملک زمین وجود ندارد. اما نکته قابل توجه در این زمینه این است که با وجود این حق و تملک اراضی به وسیله زنان در بسیاری از موارد کنترل زمین در دست مردان است. نکته قابل ذکر این که هیچگونه اطلاعات رسمی در مورد مالکیت زنان در اراضی مزروعی وجود ندارد و در پرسشنامه‌های آمارگیری کشاورزی، سؤالی در مورد جنسیت بهره‌بردار وجود ندارد.

### ۳-۷-۳- خدمات ترویجی:

منظور از خدمات ترویجی، مجموعه آموزشهای مورد نیاز زنان روستایی است که به وسیله سازمانهای فعال در روستاها ارائه می‌گردد. با برخورداری از این خدمات، زنان روستایی توانایی خود را برای افزایش تولید و مشارکت در روند مدیریت روستا ارتقاء می‌بخشند. علی‌رغم اذعان همگان در باب ضرورت، ارائه خدمات ترویجی به زنان روستایی، تعداد کارشناسان و مروجان زن به مراتب از کارشناسان و مروجان مرد کمتر است و این در حالی است که بازهم در اغلب کشورهای در حال توسعه، موانع فرهنگی اجتماعی بسیاری بر سر راه حضور زنان روستایی در دوره‌های آموزشی وجود دارد که از ناحیه مردان اداره می‌گردند.

### ۳-۷-۴- تکنولوژی مناسب:

تکنولوژی به عنوان یکی از ابزارهای تولید در جامعه روستایی، نقش تعیین کننده‌ای در ابعاد مختلف تولید داشته و برخورداری از تکنولوژی مناسب تأثیر

مردان و زنان.  
حمایت از نقش مثبت زنان در  
تعاونها.

- افزایش تولید از طریق بهبود وانتقال  
تکنولوژی مناسب به زنان.  
- شکل‌دهی مجدد نظامهای ترویج با در  
نظر گرفتن امور ویژه زنان.  
- کمک به دولت در ایجاد منافع  
اقتصادی برای زنان  
- گسترش فعالیتهای زنان در امور  
باغداری.  
- تضمین مشارکت زنان در عرصه تولید  
محصولات نقدی  
- توجه به نیازهای زنان.

۳-۴- راهبرد اجرایی برای بهبود  
وضعیت اجتماعی زنان:

هدف از این راهبرد، ارائه خدمات  
اجتماعی و امکانات آموزشی به مناطق  
روستایی و از بین بردن موانعی است که از  
مشارکت کامل زنان در فرآیند توسعه  
کشاورزی جلوگیری می‌کنند.

### نوع راهبرد و اقدامات مورد نیاز:

- آموزش در تعاونها;  
- گنجاندن سوادآموزی تابعی، در  
برنامه‌های تعاونی.  
- تشویق و ترغیب زنان برای شرکت در  
تعاونها.  
- بازنگری دوره‌های آموزشی ترویج، به  
منظور گنجاندن مسایل مربوط به تعاونها  
در برنامه‌ها.  
۴-۴- راهبرد اجرایی برای بهبود  
جایگاه تصمیم‌گیری:  
این راهبرد در صدد ارتقای سطح  
فرصتها و توانایی‌هایی هرچه بیشتر زنان  
برای مشارکت و حضور فعال در  
تصمیم‌گیری است تا بتوانند در آینده  
خانواده - جامعه - وطن خود بیش از پیش  
مؤثر و مفید واقع شوند.

### نوع راهبرد و اقدامات مورد نیاز:

- مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری  
برنامه تعاونها.  
- تعیین و شناسایی موانع موجود بر سر  
راه مشارکت زنان در فرآیندهای  
تصمیم‌گیری.  
- تشویق جهت کاربرد تکنولوژی‌های

که باعث می‌شوند زنان فرصت کافی برای  
مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و... در  
اختیار داشته باشند.

- گسترش نقش زنان در فرآیند  
تخصیص منابع طراحی برنامه.

### نتیجه‌گیری

شرکتهای تعاونی روستایی زنان یکی از  
دستاوردهای انقلاب اسلامی است که از  
بدو تأسیس تاکنون با سرعت زیادی رشد  
و گسترش یافته و مورد استقبال و توجه  
زیادی از سوی زنان روستایی قرار گرفته  
است. اما آنچه که در مورد شرکتهای  
تعاونی زنان بیش از هر چیز شایان توجه  
است تأثیر عمیق و اساسی این شرکتهای بر  
فرهنگ جامعه روستایی خصوصاً نگرش  
مردان به زنان روستایی به عنوان یک  
تشکل واحد با شخصیت حقوقی است.  
برخلاف ادعای گروهی که معتقدند این  
شرکتهای و تشکلهای صرفاً جنبه تبلیغاتی  
و سیاسی در جهت بهبود اذهان جامعه  
بین‌المللی نسبت به وضعیت زن و حقوق  
زنان ایرانی دارند، با توجه به کمکها و  
توجهات اکثر نهادها و تشکلات دولتی  
در جهت تقویت و حمایت از این تشکلهای،  
نمی‌توان به این شرکتهای صرفاً از جهت و  
بعد تبلیغاتی آن نگریست.

گر چه باید اذعان داشت که کمیت و  
تعداد این شرکتهای در طی ۵۴ سالی که از  
تصویب مقررات آن گذشته است به  
شدت افزایش یافته، ولی متأسفانه اغلب  
این شرکتهای فاقد کیفیت مورد نظر بوده و  
نتوانسته‌اند به اهداف از پیش تعیین شده  
خویش برسند. لذا باید در مورد تشکیل  
این شرکتهای بازنگری مجددی صورت گیرد  
بطوری که سنگ بنای اولیه تشکیل این  
شرکتهای بر پایه درست و اصولی و بر اساس  
اهداف قابل تحقق ریخته شود.

به طور کلی از مجموعه مطالب ارائه  
شده، نتایج عمده زیر حاصل می‌گردد:

- ۱- جریان سرمایه در بخش کشاورزی  
بخصوص در تعاونیهای تولید روستایی  
ضعیف است لذا سرمایه‌گذاری در این  
بخش با کسری همراه است.
- ۲- قدرت تصمیم‌گیری روستائیان  
بخصوص قشر زنان روستایی در جهت  
حل مشکلات خود پایین است.
- ۳- قدرت دلالتها و واسطه‌ها و نیروهای

غیر مسؤول در بخش کشاورزی بالاست  
که این امر مانعی بزرگ در جهت برگشت  
سرمایه به این بخش است.

۴- ابزار و تسهیلات لازم دیر و ناکافی  
به تعاونیهای روستایی می‌رسد و این امر  
مانعی بزرگ برای خروج از تفکر خود  
معیشتی خانوار روستایی است.

۵- تسهیلات اعتباری برای اقدامات  
جاری زنان روستایی بسیار ناچیز است.

۶- یافته‌های تحقیقاتی و آموزشی در  
این زمینه کمتر بر زنان روستایی نفوذ  
یافته است. لذا آنان عمدتاً در روشهای  
سنتی خود باقی مانده‌اند.

۷- با توجه به نقش اساسی و مهم زنان  
در پیشرفت و توسعه جوامع، متأسفانه  
توجه چندانی به این نیرو از نظر بررسی  
وضعیت موجود و برنامه‌ریزی برای آینده  
آنان نشده است.

۸- تعاونیهای روستایی زمینه اشتغال  
اصلی یا فرعی را برای درصد زیادی از  
نیروهای کاری روستا، بخصوص زنان  
فراهم می‌سازند.

۹- تعاونیهای روستایی زنان با مزایا و  
محاسن زیادی برای آنها از قبیل کسب  
استقلال اقتصادی، ارتقای سطح مهارتها و  
توانایی حرفه‌ای، احساس مفیدبودن و...  
همراه می‌باشد.

۱۰- اهمیت تعاونیهای کشاورزی در  
زندگی روستایی و پیامدهای آنها در  
امنیت غذایی از طرق گوناگونی چون  
تولیدات، صنایع تبدیلی و بازاریابی  
کشاورزی و همچنین هیأت خانواده و کار  
شاق زنان به قدری بی نظیر و بی‌بدیل  
است که حذف زنان از روند تصمیم‌گیری  
به آسانی قابل باور نیست.

### پیشنهادات

- ۱- در نگاه مسئولین کشور تعاونها  
صرفاً بصورت بخش خصوصی منظور  
نشوند و مرزهای این دو کاملاً شناخته  
شود.
- ۲- دخالت سازمانهای دولتی در اداره  
شرکتهای تعاونی کاهش یابد و بتدریج به  
سمت صفر میل نماید.
- ۳- حمایت دولت از طریق اتخاذ  
سیاستهای حمایتی و تشویقی در مورد  
تعاونیهای زنان روستایی به کار رود.



۴- تمامی ابزارهای مورد نیاز بخش تعاون نظیر بانک تعاون، اتحادیه‌های کشاورزی و... رشد و توسعه یابند.

۵- بقا و توفیق یک تعاونی وابستگی مطلق به اعضای آن دارد پس تمامی کوششها برای تقویت این بنیان بایستی صورت گیرد.

۶- به نقش فعال زنان در تولید محصولات کشاورزی و گنجاندن این فعالیتها در آمارها، جهت برنامه‌ریزی بهتر توجه بیشتری مبذول گردد.

۷- به مشارکت زنان در قالب تشکلهای تعاونی‌ها برای افزایش بهره‌وری از طریق ایجاد روحیه تعاون و همکاری بین اعضا توجه شود.

۸- کمکهای مالی و حمایتی مناسب دولت به تعاونیهای روستایی زنان ارائه گردد.

۹- سازمانهای غیردولتی (NGO) به حمایت از تشکلهای روستایی زنان ترغیب شود.

۱۰- برنامه‌های مناسب در راستای کاهش فشار کاری زنان روستایی و افزایش موقعیت به منظور شرکت فعال در تعاونیهای تولیدی کشاورزی طراحی شود.

۱۱- ضرورت سرمایه‌گذاری در ابعاد مختلف به منظور رشد و ارتقای زنان با توجه به نقش مدیریتی آنان تبیین شود.

۱۲- کلیه طرح و برنامه‌ها براساس درک نیازها و اولویتهای زنان روستایی منطبق بر مشارکت خود آنان تدوین گردد.

۱۳- برنامه‌هایی در زمینه افزایش آگاهی و سطح سواد زنان روستایی تدوین گردد.

۱۴- تقویت و گسترش خدمات آموزشی ترویجی ویژه تعاونیهای روستایی.

۱۵- ارتقای فرهنگ عمومی جامعه روستایی در زمینه نیازها و مسایل زنان از طریق سیاستهای آموزشی و تبلیغی و...

۱۶- آگاه‌سازی زنان روستایی در زمینه بکارگیری استعدادها و خلاقیتهای خود از طریق آموزش - رسانه‌های گروهی و...

بعضاً مزدبگیر نیستند را در برگیرد.  
۱۸- آموزش و تشویق زنان جهت فعالیت در تعاونیها برای جلوگیری از بیکاری.

۱۹- معرفی تعاونیهای موفق روستایی جهت تشویق دیگران.

۲۰- برگزاری کلاسها و دوره‌های آموزشی در زمینه تعاونیها جهت معرفی و شناخت این شکل مردمی و بیان نقش آن در استقلال و خودکفایی کشور.

۲۱- ترویج دانش و تکنولوژی مدرن و مناسب و استفاده از وسایل و ابزار پیشرفته در تعاونیهای روستایی.

۲۲- ارائه تسهیلات لازم به منظور دستیابی زنان روستایی به نهاده‌های کشاورزی - خدمات آموزشی - اجتماعی و منابع تولیدی.

#### فهرست منابع و مأخذ:

\* دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی و کارشناس سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان

۱- اسماعیلی فلاح، مریم، "در راه گذرش تعاونیهای زنان روستایی"، سنبله، سال دوازدهم، شماره ۱۱۲، ۱۳۷۸، ص ۴۶.

۲- باقریان، میترا، "اشغال و بیکاری زنان از دیدگاه توسعه"، زنان، شماره ۱، بهمن ۱۳۷۰.

۳- حاراللهی، عدرا، "تعارض نقشهای چندگانه زنان"، هشتم، ۸ خرداد ۱۳۷۹، ص ۱۲.

۴- دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی، بررسی وضعیت موجود زنان روستایی در ایران، تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۲.

۵- رضایپور، لیلا، "تعاونیهای زنان از نگاه آمار"، تعاون، شماره ۱۰۰ دی ۱۳۷۸، ص ۴۴.

۶- زارع زاده، محمود، "تعاونیهای کشاورزی را گذرش دهم"، تعاون، شماره ۸۸، دی ۷۷، ص ۶۴.

۷- زحمتکش، مینا، "نفس زنان در توسعه پایدار"، مروج، شماره ۳، ۱۳۷۷، ص ۵۶.

۸- سازمان جهانی خوار و بار و کشاورزی (فائو)، زنان در توسعه کشاورزی، (مترجم: غلامحسین صالح‌نسب، ۱۳۷۴، ص ۱۸-۸۲).

۹- سرست، کاوه، "نفس تعاونیها در توسعه کشاورزی"، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۷۵، ص ۲۷۱-۲۹۱.

۱۰- سطنی، مرجانه، "ترویج تعاون = پیشرفت زنان = رشد اقتصادی"، تعاون، شماره ۹۵، مرداد ۱۳۷۸، ص ۱۵.

۱۱- شحری، شاهرخ، "مشارکت کشاورزان در

برنامه‌ریزی منطقه‌ای"، سنبله شماره ۱۰۹، ۱۳۷۸، ص ۳۶.

۱۲- طوسی، محمدعلی، "مشارکت مردم"، تعاون، شماره ۹۹، آذر ۱۳۷۸، ص ۱۲-۱۸.

۱۳- طبری، منصور، بررسی نقش ترویج در پیشبرد اهداف تعاونیهای تولید روستایی، فصلنامه طلوع اندیشه، سال اول، شماره ۴، ۱۳۷۸، ص ۳۴-۴۱.

۱۴- عباسی، محمدرضا، "تعاون چیست؟"، انتشارات معاونت تحقیقات آموزش و ترویج وزارت تعاون، ۱۳۷۷، ص ۸.

۱۵- عین افشار، سوده و پروین شرابی، "بررسی روشهای افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی"، ریتون، شماره ۱۰۸، خرداد ۱۳۷۸، ص ۴۱.

۱۶- گزارش فعالیتهای و برنامه‌های دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی درسالهای ۷۴-۷۳، دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی معاونت ترویج وزارت کشاورزی.

۱۷- گزارش کارگاه آموزشی ملی برای هماهنگی خدمات ارائه شده به زنان و مردان روستایی، تهران: مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۶.

۱۸- گزارش همایش جوانان، اشغال، تعاون، زنجان: اداره کل تعاون، ۱۳۷۸.

۱۹- مساهنامه پیام بونسکو، نقش دولت و تعاونیها در کاهش فقر"، تعاون، شماره ۸۱، خرداد ۱۳۷۷، ص ۳۶.

۲۰- محمدقلی نیا، جواد و عنایت عباسی، "زن و روستا"، سنبله، سال ۱۱، شماره ۱۰۷، ۱۳۷۸، ص ۲۰-۹.

۲۱- معرفتی پروین، "تعاونیهای زنان روستایی"، مروج، شماره ۲، ۱۳۷۷، ص ۱۵.

۲۲- معرفتی پروین و لیلا نوحید، "تعاونیهای روستایی زنان و اهداف و فعالیتهای آن"، دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی وزارت کشاورزی.

۲۳- معرفتی پروین، دانش امروز و زنان روستایی، انتشارات دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵-۱۴۸.

۲۴- واحد تعاونیهای زنان روستایی سازمان مرکزی تعاون روستایی، معاونت تنظیم بازار محصولات کشاورزی، تعاونیهای زنان روستایی و نحوه تشکیل آن، ۱۳۷۷.

25. Boserup E. 1970. women's role in economic. development, London. Georges Allen and unwin.

26. Nath, k. 1970. Female work participation and economic development, Economic and political weekly vol. V.No: 27.8-846. ●

نقشه از صفحه ۴۵

صدور مجوز مؤسسات اقتصادی

● تهیه فرم درخواست استاندارد و گواهی ثبت که در زمان ثبت شرکت، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

● تعیین وجوه ثابت برای خدمات ارایه شده از سوی دفتر اسناد رسمی با توجه به ثبت و صدور مجوز شرکتها

● تصویب حداکثر مبلغ مالیات و وجوه مربوط به امور ثبت و صدور مجوز شرکتها

● تصویب وجوه قابل پرداخت برای انتشار خبر ثبت شرکت در روزنامه‌های رسمی

● تصویب مراحل قانونی صدور مجوز شرکت:

● وضع مالیات بر مؤسسات اقتصادی کوچک و ساده نسودن حسابها و ترازنامه‌های شرکت

از سوی دیگر، وزارت مؤسسات کوچک و متوسط اقتصادی و تعاونی‌های رومانی در تدوین پیش نویس لایحه تشکیل و فعالیت اقتصادی تجار آزاد مشارکت می‌کند. طرح کمکهای دولت که در قانون ۱۳۳/۱۹۹۹ و ۲۹۷/۲۰۰۰ تصریح شده بود، در «شورای رقابت تجاری» طبق مصوبه ۱۸۹/۲۰۰۱ تنفیذ شد. این وزارتخانه درصدد است بانک اطلاعات مورد نیاز را برای نظارت بر نحوه استفاده از کمکهای اعطایی دولت در سال ۲۰۰۱ ایجاد و به طور سالانه مراتب را به شورای تجاری گزارش نماید.

به منظور تحقق اهداف مربوط به ارتقای بخش مؤسسات اقتصادی کوچک و متوسط که در برنامه دولت به آن اشاره شد، دولت در برنامه توسعه سال ۲۰۰۴-۲۰۰۱

خود، وظایف اصلی وزارت مؤسسات کوچک و متوسط و تعاونیهای رومانی را به شرح زیر مشخص نموده است:

کارا نمودن و بهبود چارچوبهای قانونی و اجرایی، حمایت و مشاوره با سازمانهای وابسته به مؤسسات کوچک و متوسط اقتصادی

● بهبود کارایی وزارت مؤسسات کوچک و متوسط و تعاونیها برای ارزیابی سیاستها و اقدامات توسعه‌ای

● بهبود سیستم دسترسی مؤسسات

کوچک و متوسط به منابع مالی

● بهبود خدمات موردنظر برای مؤسسات مذکور به منظور افزایش کارکرد تجاری، رقابت و توانمندیهای اینگونه شرکتها در عرصه بازارهای داخلی و بین‌المللی

● انجام اقداماتی برای توسعه بخش مربوط به مؤسسات کوچک و متوسط که در برنامه توسعه چهار ساله کشور تصریح شده است، در چارچوب مسؤولیتهای این وزارتخانه همکاری با سایر وزارتخانه‌ها، نهادهای عمومی یا سازمانهای غیردولتی قرار دارد.

به منظور تحقق هرچه بیشتر اهداف موردنظر در برنامه توسعه دولت، رعایت توصیه نهادهای بین‌المللی بر پایه بررسیهای وزارت MSMBC با توجه به فضای تجاری کشور و نیز همه‌پرسی به عمل آمده از سوی این وزارتخانه در مارس ۲۰۰۱ در مورد اتحادیه‌های تجاری، و نیز با عنایت به پیشنهادهای ارایه شده از سوی مؤسسات کوچک و متوسط، وزارت MSMEC، برای رفع موانع بازراندۀ توسعه اینگونه مؤسسات، در جلسه مورخ ۱۷ می ۲۰۰۱ دولت برنامه کاری را به تصویب و آن را به اطلاع کمیسیون اروپا رساند.

روند پیشرفت این برنامه در مقاطع زمانی شش ماهه بررسی می‌شود. در این برنامه تعهد شده است، اقدامات لازم برای مقابله با موانع محدودکننده رشد و توسعه تجارت، روند قانونی ثبت و صدور مجوز شرکتها، چارچوبهای قانونی، نظام مالیاتی و فراهم بودن منابع مالی و اطلاعاتی انجام شود.

با اجرای این برنامه، وزارت مؤسسات کوچک و متوسط و تعاونیهای رومانی در امر بهبود و توسعه فضای تجاری و رقابت‌پذیری مؤسسات مذکور و نیز تحقق اهداف دولت در این زمینه مشارکت خواهد نمود.

وزارت مؤسسات کوچک و متوسط اقتصادی و تعاونیهای رومانی هر ساله این طرح را از طریق ارزیابی مشکلات و نیازهای مؤسسات مذکور روزآمد می‌نماید.

نقشه از صفحه ۲۷

حساسیت بیشتری نسبت به تحولات اجتماعی - اقتصادی هستند که از کنترل آنها نیز غالباً خارج است. بنابراین بایستی تعریف روشنی از شاخصهایی که نشان‌دهنده موفقیت نظام تعاونی در کشور است به عمل آمده و بطور مستمر نسبت به ارزیابی آنان اقدام نمود. لذا نظام آماری بخش تعاون بایستی قادر باشد که اطلاعات مورد نیاز مسؤلان بخش تعاون را در چهار زمینه موضوعی زیر به طور مستمر تهیه کند و در اختیار بگذارد:

۱- وضعیت نظام تعاون در حال حاضر چگونه است؟

۲- وضعیت مطلوب تعاون بایستی چگونه باشد؟

۳- بهترین راه گذر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب چیست؟

۴- آثار برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاریهای قبلی بر نظام تعاون چگونه بوده است؟

بنابراین، آمار و اطلاعات تولیدشده توسط هر نظام آماری بایستی از سه ویژگی به هنگام بودن، دقیق بودن و سازگار و مرتبط بودن، با مسائل مورد تصمیم‌گیری برخوردار باشد و آمار اطلاعاتی که دیر هنگام تهیه شود، با هر درجه‌ای از دقت، فاقد اعتبار لازم خواهد بود، لذا بایستی در ارتباط تنگاتنگ اجزای نظام برنامه‌ریزی و نظام آماری بخش تعاون، نیازهای آماری متبلور شده و برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت آماری مشخص و منابع لازم برای تهیه آنها اختصاص داده شود. بنابراین نظام آمارهای تعاون مانند هر نظام آماری دیگر بایستی دارای سه خصیصه کلی زیر باشد:

۱- وظایف هر یک از اجزای آن تعریف شده و نوع ارتباط و عمل متقابل آنها مشخص باشد.

۲- دارای برنامه‌های تولید آمار کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت براساس شاخصهای تعریف برای اندازه‌گیری و موفقیت نظام تعاونی باشد.

۳- نیاز و فعالیتهای آماری در ارتباط تنگاتنگ با نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی تعیین شود.